

29-07-2013

## رئیس جمهور کرزی و توهم حمایت امریکا در منازعه با پاکستان

این دیدگاه و باور رئیس جمهور کرزی که ایالات متحده امریکا میباید در ازای امضای قرار داد امنیتی حمایت نظامی از افغانستان را در مقابل پاکستان تضمین کند بار دیگر توسط عبدالکریم خرم رئیس دفتر رئیس جمهور (24 سرطان 1392) عنوان شد. وی اظهار کرد که وقتی ما با امریکا قرارداد امنیتی می بندیم باید امریکایی ها در جنگ با پاکستان و تجاوز آن کشور از افغانستان حمایت نظامی کنند. رئیس دفتر رئیس جمهور در مصاحبه با شبکه تلویزیونی یک گفت وقتی دولت افغانستان با امریکا موافقت نامه امنیتی دوجانبه را امضا می کند که اطمینان یابد تا در صورت حمله از سوی پاکستان، امریکا از افغانستان دفاع نماید.

رئیس جمهور کرزی نیز این مطلب را بارها اظهار داشت و در کنفرانس مطبوعاتی خویش در چهارم اکتوبر 2012 هوشدار آمیز گفته بود که "امریکا به عنوان بزرگترین متحد استراتژیک افغانستان هنوز نپذیرفته است که افغانستان از سوی پاکستان مورد حملات راکتی قرار می گیرد" و افغانستان ناگزیر است تا از کشورهای چین، هند و روسیه سلاح و تجهیزات نظامی تهیه کند.

رئیس دفتر رئیس جمهور کرزی در حالی که از امریکا خواست تا در جنگ با پاکستان از افغانستان حمایت نظامی کند، امریکا و پاکستان را متهم کرد که با گشایش دفتر طالبان در قطر در صدد تجزیه افغانستان بودند. در حالی که این رئیس جمهور کرزی بود که بارها با سیاست تضرع و التماس از طالبان نشانی و آدرس میخواست تا با آن برادران خود تفاهم و مذاکره داشته باشد.

جیمز کابینگهام سفیر امریکا اظهارات کریم خرم رئیس دفتر کرزی را مبنی بر تجزیه افغانستان مزخرف و بی اساس خواند و در مورد گفتگوی معلق شده بر سر موافقتنامه امنیتی با دولت افغانستان گفت: موافقتنامه را که ما در حال مذاکره هستیم، مانند موافقتنامه های دیگری است که ما با دیگر کشورهای دوست در جهان داریم. این موافقتنامه زمینه ساز همکاری های امنیتی ما بعد از 2014 است و ما آماده ایم که این گفتگو ها را به اسرع وقت از سر بگیرم.»

نکته ی مهم در دیدگاه رئیس جمهور کرزی و تیم زمام داری او به خصوص در درون ارگ ریاست جمهوری از پیوند دادن و مشروط ساختن قرار داد امنیتی با حمایت نظامی در منازعه و جنگ با پاکستان چیست؟ آیا امریکایی ها حاضر خواهند بود تا در پیمان امنیتی با کابل خود را متعهد به حمایت نظامی از جنگ افغانستان با پاکستان کنند؟

آنچی را که رئیس جمهور کرزی و رئیس دفتر او و سایر مقامات حکومت وی از جنگ با پاکستان و ضرورت مقابله با تجاوز پاکستان می گویند اشاره به منازعه دیورند دارد. کرزی که همچنان به این منازعه ادامه میدهد و با سخن از عدم شناسایی مرز دیورند به عنوان مرز رسمی میان افغانستان و پاکستان تمامیت ارضی پاکستان را تهدید می کند در صدد آن است تا در این دعوا پای امریکا را بکشاند و قرار داد امنیتی را با این منازعه و ادعای ارضی با پاکستان پیوند دهد. آیا امریکایی ها این آرزوی رئیس جمهور کرزی را بر آورده خواهند کرد و در قرارداد امنیتی خود را متعهد به حمایت از افغانستان در جنگ با پاکستان می کنند؟ پاسخ این پرسش نه تنها در حقایق تاریخی نهفته در مناسبات خارجی افغانستان چه با امریکا و چه با شوروی سابق بر سر منازعه دیورند مشهود و آشکار است، بلکه امریکایی ها چند بار و به تکرار در این مورد با زبان حال و زبان قال سیاست و موقف خود را به کرزی و حکومت او روشن کرده اند که در دعوای ارضی با پاکستان از کابل حمایت نمیکنند.

آخرین اظهارات رسمی امریکایی ها در مورد منازعه دیورند توسط مارک گروسمن نماینده واشنگتن در امور افغانستان و پاکستان در عقرب 1391 صورت گرفت که به شناسایی خط دیورند تأکید کرد. سپس ویلیم برنز معاون وزیر خارجه امریکا و جیمزکننگهام سفیر امریکا در کابل اظهارات گروسمن را مورد تأیید و تأکید قرار دادند. جالب تر از ابراز نظر های رسمی دیپلماتهای امریکا در این مورد، پاسخ یک افسر امریکایی به افسران و نظامیان افغانستان در ولایت کنر است. وقتی سال پار در جریان راکت باران مناطق مرزی ولایت کنر یک افسر افغانستان به افسر امریکایی ابراز کرد که ما بسوی مرز می رویم و بر نظامیان پاکستانی یورش می بریم، افسر مذکور به افسر افغانستان گفت: این تفنگ شانه ات را بگذار و لباس نظامی تنت را بیرون کن که با پول امریکا تهیه شده و آنگاه برای جنگ با پاکستان برو. این در حالی است که رئیس جمهور کرزی و عبدالکریم خرم مسئول دفتر او در ارگ کابل در صدد آن هستند تا امضای قرار داد امنیتی را با واشنگتن به حمایت نظامی امریکا از جنگ احتمالی با پاکستان پیوند دهند و مشروط سازند. نکته ی مهم و قابل پرسش در این قیل و قال میان امریکایی ها و رئیس جمهور افغانستان و اطرافیان در منازعه با پاکستان، عدم درک سیاست های امریکا و غرب و یا عدم توجه به سیاست آنها است. شگفت آور این است که زمام داران کشور ما در حالی دیدگاه و سیاست امریکا و غرب را در این مورد درک نمی کنند که تجربه و عملکرد زمام داران پیشین افغانستان را در این باره پیش چشم خود دارند. زمام داران گذشته و متوفای افغانستان قبل از رئیس جمهور کرزی بارها تلاش کردند تا دیدگاه و سیاست امریکا و غرب را در منازعه دیورند با پاکستان تغییر دهند؛ تلاشی که پیوسته بی نتیجه باقی ماند. اما چرا هنوز هم زمام دار برحال کشور ما یکبار دیگر در پی سیاست های ناکام زمام داران پیشین میروند و تلاش می کنند تا امریکا و غرب را بدنبال دیدگاه خود بر سر منازعه دیورند با پاکستان بکشاند؟

بدون تردید زمام داران افغانستان تا این حد ناآگاه نیستند که موقف و سیاست امریکا و غرب را در مورد منازعه دیورند با پاکستان درک نکنند و تأثیر گذاری آنرا بروی تلاش و اهداف افغانستان در این رابطه ندانند. اما توهمات عاطفی و رویای بازگشت به گذشته ی مبهم و ناروشن آنها را وسواس می کند تا همچنان خود را در گروگان این منازعه اسیر نگهدارند و افغانستان را هم کماکان در این اسارت با خود داشته باشند. در حالی که درایت و عقلانیت سیاسی در مسند قدرت سیاسی یک کشور نه در جا زدن و ماندن در اسارت و بن بست، بلکه خروج از اسارت و عبور از بن بست است. گره کشایی و عبور از بن بست ویژگی یک سیاستمدار و رهبر یک کشور و از الزامات رهبری و مدیریت در هر گونه شرایط به خصوص در شرایط بحران است. وقتی زمام دار کشوری بجای بحران زدایی، خود به بحران و عامل بحران تبدیل میشود، دشواری عبور از بحران پیچیدگی بیشتر می یابد.